

## AHMADINEJAD AND FREEDOM OF SPEECH

<http://www.ghandchi.com/433-Ahmadinejad-plus.htm>



### احمدی نژاد و آزادی بیان

سام قندچی

پیش از آغاز این مقاله اجازه دهید اشاره کنم که من از مخالفین جمهوری اسلامی هستم و در واقع درست پس از بقدرت رسیدن احمدی نژاد در انتخابات جمهوری اسلامی، من نوشتم که جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست و بایستی سرنگون شود [http://www.ghandchi.com/418-sarnegoon.htm]، و من کماکان از تحلیل آنروز خود دفاع میکنم.

بنابراین، آنچه که در زیر مینویسم هیچ ربطی به پشتیبانی کردن از جمهوری اسلامی یا احمدی نژاد ندارد. این نوشته نظیر بیانیتهای آنهایی است که برای متوقف کردن یک اعدام، در دفاع از بدترین جنایت کاران مینویسند، چرا که با مجازات اعدام مخالفند، بعنوان یک اصل. نکته من در این نوشتار دفاع از اصل آزادی اندیشه است.

عکس العمل جهانی غرب در برابر اظهارات اخیر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران مرا به یاد عکس العمل اسلامگرایان نسبت به سلمان رشیدی در سالهای 1360 میاندازد که بالاخره به فتوای خمینی برای قتل رشیدی رسید، بخاطر افکاری که آن مرد در کتاب آیه های شیطانی خود بیان کرده بود. من در دفاع از رشیدی به گرات نوشته ام، آنهم زمانیکه اکثر اپوزیسیون ایران در مورد رشیدی خاموش بودند [http://www.ghandchi.com/366-Khamenei.htm]. در نتیجه من نیازی نیست که دفاع خودم از رشیدی را در اینجا تکرار کنم، چرا که براحتی قابل دسترس علاقمندان است، و در اینجا من کانون توجهم را بر روی احمدی نژاد میگذارم.

احمدی نژاد گفته است که درباره وجود هولوکاست تردید دارد. همچنین وی پیشنهاد کرده است که اگر اروپائیان معتقدند چنین چیزی واقعتاً است، پس آنها میتوانند حالا یهودیان را از اسرائیل به نقطه ای در اروپا یا آمریکا منتقل کنند. گفته اول وی در اروپا جنایت محسوب میشود و دومی آشکارا تبعیض آمیز و نژاد پرستانه بر علیه یهودیان است. گفتار اول آن چیزی است که همه خروش در جهان را باعث شده است، یعنی انکار تاریخی هولوکاست، همه سوزی یهودیان که توسط هیتلر در زمان جنگ دوم جهانی انجام شد. و انکار هولوکاست در آلمان و در برخی کشورهای اروپایی جنایت محسوب میشود، و حتی برخی نویسندگان هم بخاطر چنین ابراز نظر هائی در گذشته به زندان افتاده اند. آیا من فکر میکنم که قوانین اروپا از این نظر درست هستند؟ مطمئناً من فکر نمیکنم که این قوانین اروپا درست است، گرچه من قانع هستم که هولوکاست حقایق انکار ناپذیر تاریخی و علمی است که مطمئناً حقیقت بوده و یکی از بزرگترین جنایات در تاریخ بشریت است.

اما آزادی اندیشه به این معنی است که مردم میتوانند هولوکاست را مثل هر چیز دیگر انکار کنند. بنظر من دموکراسی های سکولار اروپایی در موضع خود در این مورد در اشتباهند. البته اگر کسی عمل نفرت یا جنایات تنفر نژادی را تبلیغ کند، آن شخص بایستی محاکمه شود، اما فقط فکر کردن اینکه هولوکاست اتفاق نیافتاده، هر چند یک اندیشه غیر علمی و ضد همه واقعیات تاریخی است، اما آزادی اندیشه یعنی که چنین کسی نبایستی بخاطر اندیشه اش مورد آزار و ایداً قرار گیرد، فقط بخاطر آنکه چیزی کاملاً غلط را باور دارد. البته، اگر اندیشه ای برابر خود عمل است، مثل "تهدید کسی بمرگ" یا "پورنوگرافی کودکان"، من آزادی آن را آزادی اندیشه تلقی نمیکنم،\* و من با محاکمه چنان مجرمی بمثابه جنایتکار موافقم، اما بنظر من انکار یک حقیقت تاریخی، چنین چیزی نیست.

پشتیبانی از دموکراسی های غربی به این معنی نیست که من از همه قوانین و عملکرد های غرب پشتیبانی کنم. مثلاً گرچه من فکر میکنم به عمل در آوردن آمریکائی تفکیک قوا در قانون اساسی آمریکا بهترین پیاده کردن آن تئوری در تاریخ است، اما من فکر میکنم اینکه رئیس دیوان عالی آمریکا از طرف پرزیدنت تعیین و بوسیله کنگره تأیید میشود غلط است، و

بنظر من این مقام خوب است که انتخابی باشد و هر هشت سال یکبار انتخاب شود. یا اینکه، بنظر من، قوانین اروپا درباره هولوکاست غلط هستند، گرچه من از دموکراسی اروپا و اکثر قوانین آن پشتیبانی می‌کنم.

در مورد احمدی نژاد، اگر که وی اسرائیل را با تروریسم یا جنگ تهدید کند، آنوقت من فکر می‌کنم که تعقیب قانونی وی معنی دارد. همچنین اگر ما بدانیم که وی \*عملیات\* مخفیانه ای بر علیه اسرائیل انجام داده است، آنوقت با او بایستی بنسبت آن \*عمل\* رفتار شود. اما فقط بخاطر آنکه وی عقیده غلطی درباره یک واقعیت تاریخی دارد، او به یک جنایت کار تبدیل نمیشود.

البته همه دموکراسی های غربی، و دنیای متمدن، میتوانند به اشتباه وی اشاره کنند، اما مطمئن شویم که از این موضوع، جنگ صلیبی علیه او راه نیاندازیم، آنگونه که اسلامگرایان بر علیه سلمان رشدی جنگ مذهبی راه انداختند، صرفاً بخاطر آنکه عقیده مردی بر علیه پایه ای ترین اعتقادات علمی و تاریخی ما است.

بله بیائیم و به او بمثابه یک کافر نسبت به عقاید ما بنگریم، و اجازه دهید که با این مرتد، با احترام به حقوق یک مرتد رفتار کنیم، یک کافر نسبت به عقاید مورد احترام ما، برعکس نحوه ای که جمهوری اسلامی با امثال سلمان رشدی یعنی با مرتدین اعتقادات اسلامی رفتار کرد، وقتی که قانوناً در ایران بااصطلاح اصلاح طلب آقای خاتمی، پول جمع میکردند تا تیرانداز حرفه ای اجیر کنند و سلمان رشدی را بخاطر عقائدش بکشند، عملی که بروشنی ترور \*جنایتکارانه\* بود، و بوسیله خاتمی متوقف نشد. بله، تفاوت دموکراسی سکولار و جمهوری اسلامی در همین است. بله چه جمهوری اسلامی از نوع احمدی نژاد باشد و چه از نوع خاتمی، تفاوت در این است که ما طرفداران دموکراسی سکولار، به آزادی اندیشه احترام میگذاریم، و اجازه دهید که این را هیچگاه فراموش نکنیم، چرا که همین اصل ما را از حامیان یک دولت مذهبی فنانیک جدا میکند.

البته بعنوان رئیس دولت، آقای احمدی نژاد به اکثر ایرانیان لطمه میزند، و به گروه مذهبی خود برای بدست آوردن پشتیبانی در میان اعراب بی چیز یاری میکند، تا از آن نفوذ برای گرفتن امتیاز از دولت های عرب استفاده کند، و همچنین این موضع گیری ها به او در جایگاهش بعنوان یک نیروی رادیکال کمک میکند، نه تنها در میان بخش شیعه عراق، بلکه همچنین در رقابت گروهی خود با القاعده، هر چند شیعیان رادیکال هیچگاه نمیتوانند در میان جمعیت سنی موفق شوند، هر چقدر هم که سعی کنند، و جمهوری اسلامی هم خود به این حقیقت خوب واقف است، و احمدی نژاد فقط امیدوار است که شکافی در میان مخالفین خود، هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی ایجاد کند، تا که برعمر حکومت مذهبی جمهوری اسلامی چند صیاحی دیگر بیافزاید. اما همه این ها سیاست است و ربطی به آزادی اندیشه ندارد.

به امید رژیم سکولار در ایران،

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

29 آذر 1384

December 20, 2005

مطالب مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/600-SecularismPluralism.htm>

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

---

مقالات تنوريك

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>